



اعلامیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، بمناسبت سی و یکمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی
یادشان گرامی باد!

در طول چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، زندانها و شکنجه گاه های رژیم همواره مملو از زندانیانی بوده است که به خاطر آزادی و احقاق حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود به بند کشیده شدند.

از همان زمانی که قیام مسلحانه توده های مردم رژیم سلطنتی را ساقط نمود. جنگ میان نو و کهنه، ارتجاع و ترقی، آزادی و سرکوب، آغاز گردید. با سقوط شاه، طبقه سرمایه دار و صاحبان ثروت، این بار با حمایت از روحانیتی که بر موج قیام عمومی سوار شده بود، بر آن شدند تا به هر قیمتی شده از تاووم انقلاب و گسترش و تعمیق آن جلوگیری کنند. در آن زمان همه طبقات حاکم و کشورهای معظم سرمایه داری با این امر موافق بودند که تنها اسلام و روحانیت با همه تناقضات اش قادر است جلوی نفوذ و اعتبار چپ را بگیرد، مانع تعمیق انقلاب و تعرض توده های مردم به ارکان اصلی استبداد و خودکامگی بشود. تنها روحانیت است که میتواند قدرت و امکانات پیروزی توده های کارگر و زحمتکش را محدود ساخته و پتانسیل آنها را برضد اهداف و آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه به کار گیرد.

بدین ترتیب نیروهای سیاه ارتجاع به کمک ارتش و سازمانهای امنیتی باقیمانده از رژیم گذشته و با تجهیز و تسلیح نیروهای حاشیه جامعه در کمیته ها و سپاه وغیره، تعرض گسترده و وحشیانه ای را به دست آوردهای انقلاب و احزاب و سازمانها و تشکل های کارگری، دانشجویی...، آغاز نمودند. از آن پس حمله به کتابفروشیها، دفاتر سازمانهای سیاسی، روزنامه ها و نشریات مترقی، راهپیمائیهها و تجمعات کارگران، دانشجویان، زنان و دیگر فعالین اجتماعی و سیاسی تشدید شد، حمله به کردستان، ترکمن صحرا و دستگیری و شکنجه و اعدام به یک روال معمولی در جامعه ما تبدیل شد. هزاران مبارز، انقلابی و آزادیخواه در سپاهالهای رژیم به خاطر اعتقادات شان و مخالفت شان با سلطه مجدد استبداد و خودکامگی شکنجه شدند و هزاران نفر دیگر در دفاع از آزادی، جان خود را از دست دادند.

در تاووم این سرکوبگریها، کشتار دهه شصت و قتل عام زندانیان سیاسی در سال 67 بی شک بمثابه بزرگترین و فجیعانه ترین جنایت سیاسی در تاریخ کشور ما محسوب میشود که همچون لکه ننگی ابدی بر پیشانی حاکمیت جهل و جنایت جمهوری اسلامی و حامیان آن باقی خواهد ماند. ترکیب عمده مبارزین و زندانیان سیاسی این دوره، برخاسته از میان اقشار زحمتکش جامعه بودند. کارگران زحمتکشان و جوانان و دانشجویان و دانش آموزانی بودند که در برابر تعرض رژیم جدید به آزادیها و سایر دست آوردهای قیام مقاومت میکردند و خواستار تاووم انقلاب در جهت برانداختن ستم و استثمار و زور و سرکوب، تثبیت آزادیهای سیاسی بدست آمده و تحقق خواست های دموکراتیک و برابری طلبانه ای بودند که سالیان متمادی برای آنها مبارزه کرده و جانفشانی نموده بودند. بسیاری از آنها رهبران عملی جنبش کارگری، دانشجویی و توده ای بودند و یا سالیانی دراز علیه رژیم شاه مبارزه کرده و از پیشگامان جنبش توده ای منجر به قیام 57 به شمار میامدند. و جالب است که در تمام این دوران و بویژه در جریان قتل عام سال 67 امپریالیستها و دولتی که خود را مهد دموکراسی و حقوق بشر میدانند، در جریان وقوع این کشتارهای وحشیانه سکوت اختیار کردند تا رژیم جلادان با این نسل کشی ها محیط مناسب سرمایه گذاری و چپاول آنها را فراهم سازند. اما گویی فراموش کرده اند که مبارزه برای رهائی از ستم و استثمار و زور و سرکوب و مبارزه برای رسیدن به جامعه ای آزاد و برابر و انسانی، با سرکوب و قتل و غارت متوقف نمی شود. تا وقتی که نظام سرمایه داری و دستگاه دولتی سرکوبگر و فجاجی ناشی از آن باقی است، این مبارزه تا پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت.

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی تاکید به چند نکته حائز اهمیت است.

باتوجه به تشدید بحران اقتصادی و رشد گسترش جنبشهای اجتماعی، بویژه جنبش کارگری که از نظر کمی و کیفی رو به اعتلاء است، رژیم در تلاش است تا جائی که میتواند با ایجاد جو رعب و وحشت مانع شکل گیری جنبش های اجتماعی و تاووم مبارزات آزادیخواهانه اقشار مختلف جامعه گردد. بویژه اعتراضات توده ای و سراسری دیماه 97 و اعتصابات شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و اقبال عمومی از شعارها و خواست ها و مطالبات کارگران، نظام حاکم را بوحشت انداخته است، هم اکنون علاوه بر زندانیان سیاسی سابق، ده ها نفر از کارگران، روشنفکران، روزنامه نگاران، نویسندگان، زنان و سایر فعالین سیاسی و فرهنگی در شهرهای مختلف دستگیر و روانه زندان شده و میشوند. اخیراً نیز روز 16 شهریور، درست در ایام برگزاری مراسمهای توام با افشاگری سالگرد قتلعام زندانیان سیاسی در سال 67، یکی از بی دادگاه های زیر نظر «رئیس» (معروف به آیت الله قتلعام) احکام سنگینی برای دوتن از کارگران نیشکر هفت تپه و چند تن از روزنامه نگاران مدافع جنبش کارگری صادر کرده است. دوتن از نمایندگان منتخب کارگران نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی به چهارده سال و محمد حنیفر به شش سال زندان، و نیز سپیده قلبان به نوزده سال، امیر حسین محمدی فرد، عسل محمدی، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی، سر دبیر و اعضاء هیأت تحریریه نشریه گام به هیجده سال زندان محکوم شده اند.



نباید فراموش کرد که سرنوشت زندانیان سیاسی در ایران با تحولات و فرازونشیب های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بحران های گاه و بیگاه رژیم در روابط بین المللی گره خورده است. زندانیان سیاسی بعنوان پیشروترین و در دست رس ترین مخالفان رژیم، همواره با خطر تشدید شکنجه و اعدام و تکرار فجایعی نظیر کشتار 67 مواجه اند. از این روتشدید جو ترور و اختناق که با دستگیریهای وسیع همراه است، امر مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را به وظیفه ای مبرم تبدیل نموده است. در این رابطه:

ما بارها اعلام کرده ایم که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بخشی جدائی ناپذیر از مبارزه برای آزادیهای سیاسی و سرنگونی رژیم حاکم محسوب میشود. بنابراین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، نیازمند کاروتلاش مستمر و پی گیر همه نیروهای انقلابی و جنبش های اجتماعی است که برای دگرگونیهای بنیادی در ایران مبارزه و تلاش میکنند.

دوم اینکه تجربه دوران رژیم شاه در برخورد به زندانیان سیاسی مبین این واقعیت انکارناپذیر است که برغم افشاگرها و فشارهای بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی که در جای خود مفید و موثر بودند، اما آزادی زندانیان سیاسی تنها زمانی امکان پذیر شد که توده های مردم به خیابانها ریختند، کارگران با اعتصابات خود شریانهای اقتصادی رژیم را قطع کردند و دستگاه نظامی و بوروکراتیک آنرا فلج نمودند و با شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» لرزه بر اندام رژیم انداختند. لذا این تجربه به ما می آموزد که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با مبارزه برای برانداختن حاکمیت سیاه ارتجاع گره خورده است و تنها در جریان پیشروی نیروهای اجتماعی انقلابی و مترقی، بویژه طبقه کارگر برای سرنگونی رژیم و تحقق آزادیهای سیاسی است که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نیز به پیروزی میرسد.

روشن است که این واقعیت تجربه شده نافی وظیفه انقلابی و انسانی سازماندهی کارزارهای وسیع افشای رژیم و روشن کردن سرنوشت زندانیان سیاسی و خواستار آزادی آنها شدن در سطح داخلی و جهانی نیست. ولی این تلاشها میباید دارای برنامه ای مشخص و نقشه ای معین بوده باشد که بتواند با بسیج بیشترین نیروهای اجتماعی، آزادی همه زندانیان سیاسی را خواستار شده و کارزاری همه جانبه و ادامه داری را در دستور مبارزات خود قرار دهد. کارزاری که فقط به نیروهای سازمان یافته و جریانات انقلابی محدود نشده بلکه جنبش های اجتماعی و عناصر موثر جامعه را هم دربرگیرد.

در این رابطه یکی از اقداماتی که ما بارها بر آن تاکید کرده ایم، بسیج شدن خانواده های همه زندانیان سیاسی است که در گذشته و حال عضوی از اعضای خانواده آنها به زندان افتاده، شکنجه شده و یا توسط رژیم اعدام شده اند. در این میان سازمانیابی همه خانواده های زندانیان سیاسی و عزیزی که در سال 67 در زندانهای رژیم قتل عام شدند، میتواند در بسیج سایر خانواده های زندانیان و اعدام شده ها و سازماندهی یک کارزار داخلی و بین المللی وسیع، گسترده و ادامه دار نقش بسیار مثبتی بازی بکنند. نظیر تشکیل کمیته های مشترک مادران، همسران، پدران و برادران و خواهران قتل عام شدگان، مفقود شده ها و شکنجه شده ها. در زندانها و سیاهچالهای جمهوری اسلامی.

این تشکلهای در حال حاضر میتوانند در داخل و خارج از کشور با اقدامات افشاگرانه و خواست های انسانی خود مبنی بر روشن شدن آمرین و عاملین این قتل ها و کشتادن آنها به پای میز محاکمه، نقش موثری در پیش برد مبارزه برای آزادی های سیاسی و بویژه آزادی زندانیان سیاسی ایفا کنند.

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی یاد و خاطره همه آنهایی را که در راه آزادی و سعادت انسان ها جان فدا کردند، گرامی میداریم، به خانواده ها و بازماندگان آنها درود میفرستیم و مبارزه برای تحقق خواست ها و اهداف انسانی آنها را وظیفه خود میدانیم. واز همه خانواده ها و انسانهای آزادیخواه دعوت میکنیم که در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی و در مراسمهایی که به همین مناسبت در محل خاوران و یا در مکانهای دیگر، از جمله خارج از کشور برگزار میشوند، شرکت کرده و همبستگی خود را با خانواده ها و آرمانهای انسانی این عزیزان اعلام بکنند.

گرامی بادیاد و خاطره همه انسانهایی که در راه آزادی، سوسیالیسم و سعادت بشریت، جان فدا کردند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد زندان شکنجه اعدام ملغی باید گردد
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری فدائو شورائی
زنده باد سوسیالیسم

سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست شهریورماه 98